



# وضعیت آشفته ترجمه

## برزخی که در آن دست و پا می‌زنیم!

فاطمه جبارزاده\*

و متخصصان این حوزه می‌پردازیم.

در این مقاله سعی بر آن بوده است تا به اختصار وضعیت موجود ترجمه در ایران، با تاکید بر لزوم بررسی کیفی متون ترجمه شده، مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهایی برای خروج از بحران موجود ارائه گردد.

### ضرورت بررسی کیفی متون ترجمه‌شده

نیاز مبرمی احساس می‌شود به نهاد و ارگانی خاص تا عهده‌دار نظارت بر کیفیت ترجمه‌های ارائه‌شده در تمامی سطوح، اعم از مقالات علمی، نمایشنامه، فیلم و داستان شود. در این راستا، در درجه اول، بررسی صلاحیت مترجمان حوزه‌های مختلف، بسیار واجد اهمیت است؛ چرا که تنها مترجم خوب و مجرب می‌تواند ترجمه‌ای درخور و قابل قبول ارائه دهد.

متأسفانه در بسیاری از موارد، مترجمان ما از دانش اولیه ترجمه که همانا آشنایی با زبان مبدا و مقصد، موضوع متن و مهم‌تر از همه، اصول و روش ترجمه می‌باشد، برخوردار نیستند. بسیاری از آنها از اصل مهم «واحد ترجمه»، اطلاع چندانی ندارند. نگارنده خود مدت یک سال در یکی از مراکز پژوهش و ترجمه به‌عنوان مقابله‌گر مشغول به کار بوده و از نزدیک مشاهده نموده است که مترجمی، یک صفحه از کتاب را خوانده یا حتی یک پاراگراف و سپس فهم خود (و نه منظور نویسنده) را آن گونه که متوجه شده، ترجمه کرده است؛ در جواب این پرسش که «واحد ترجمه شما چه بوده است؟» پاسخ داده‌اند «صفحه». مگر می‌شود یک صفحه، «واحد ترجمه» باشد؟

نیومارک (۱۹۸۸:۵۴) معتقد است در حال حاضر نظریه‌پردازان ترجمه، به گونه‌ای به بیراهه می‌روند که کل متن، یعنی اساس تحلیل گفتمان را به عنوان «واحد ترجمه» در نظر می‌گیرند و این نظر در

### مقدمه

در عصر ارتباطات و اطلاعات، ترجمه به عنوان پل رابط میان ملت‌ها و فرهنگ‌ها، نقشی غیرقابل انکار دارد و از ملزومات دنیای امروز به حساب می‌آید. ترجمه در ایران، سابقه و صبغه‌ای تاریخی دارد و چنانکه از شواهد و قراین برمی‌آید کتاب‌های بسیاری از زبان‌های دیگر به‌ویژه عربی (ترجمه قرآن) و سانسکریت (آثاری چون کلیله و دمنه) در دوره ساسانیان ترجمه شده‌اند؛ بنابراین ترجمه، عملاً قسمتی از میراث مکتوب ما ایرانیان را تشکیل می‌دهد. آغاز ترجمه آثار غربی از زبان‌های انگلیسی و عمدتاً فرانسه، سابقه‌ای بیش از یک قرن داشته و به خصوص از اواخر دوره قاجار مورد توجه بسیار قرار گرفته است. با توسعه امکانات چاپ و نشر، ترجمه آثار داستانی اروپایی آغاز گردید و بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. اما نکته حائز اهمیت این است که با وجود پیشینه تاریخی و فرهنگی مقوله ترجمه، پرداختن به «کیفیت ترجمه»، جایگاهی حاشیه‌ای و تقریباً فراموش شده دارد؛ البته به جز مقالات پراکنده در مطبوعات و نشست‌های تخصصی که اگرچه مفید بوده‌اند ولی کافی به نظر نمی‌رسند. بنابراین، در این مقاله، به بررسی اجمالی وضعیت موجود و راهکارهای پیش‌روی صاحب‌نظران



تقابل با مفهوم اصلی ارائه شده توسط وینی و داربلنه<sup>۲</sup> (همان، ص ۵۵) است که واحد ترجمه را «کوچک‌ترین بخش کلام که نمادهای انسجام آن به گونه‌ای است که نباید آنها را جداگانه ترجمه کرد» تعریف می‌کنند. استدلالی که دابلینو هاس<sup>۳</sup> (همان،

ص ۵۴) درباره «طول ترجمه» به طور خلاصه و موجز مطرح

کرده است: «واحد ترجمه باید تا حد ممکن کوتاه و تا جای لازم بلند باشد»، بازتاب ملموسی است از هم‌ستیزی دیرینه‌ای که میان ترجمه آزاد و ترجمه تحت‌اللفظی بوده است. ترجمه آزاد، همواره به جمله توجه دارد و ترجمه تحت‌اللفظی به واژه. در چندین سال اخیر و از زمانی که زبانشناسی متن مطرح شده است، ترجمه آزاد از «جمله» به «کل متن» تسری یافته است. بی‌تردید با مفهوم «محدودی» که وینی و داربلنه تعریف می‌کنند، «کل متن» نمی‌تواند «واحد ترجمه» باشد. بیشترین مقدار ترجمه در متن به ترتیب در سطوح کلمه، واحد واژگانی، همانند، گروهه، عبارت و جمله صورت می‌گیرد و به ندرت در سطح پاراگراف انجام می‌شود و در سطح کل متن این مقدار به هیچ می‌رسد. احتمالاً با چنین ترتیبی توجه به متن را می‌توان مرحله نهایی بررسی دانست.

منشی طوسی (۱۶۳: ۱۳۸۰) در این باره معتقد است: «کوچک‌ترین واحد برابری ترجمه، متناسب با هر متنی، تا حد زیادی تغییرپذیر است». این واحد در متنی «تک‌واژه»، در متنی دیگر «جمله» و در موردی دیگر حتی می‌تواند «تمام متن» باشد. او همچنین معتقد است در شرایط عادی، احتمالاً بهترین «واحد ترجمه»، «جمله» است. چرا که در صورت آگاهی مترجم از بافت کلی متن و موضوع مورد ترجمه، رسیدن به هدف، یعنی انتقال پیام متن اصلی، در مقایسه با سایر سطوح برابری ترجمه‌ای، با سهولت بیشتری میسر خواهد شد.

گاهی مشاهده می‌شود که متن ترجمه‌شده با متن اصلی تفاوت معنایی و محتوایی دارد؛ این حالت در صورتی پیش می‌آید که مترجم تنها فهم خود را از محتوای متن می‌نویسد و ترجمه با اثر اصلی تفاوت‌های فاحش دارد. در این گونه موارد، معمولاً پاسخ مترجمان این است که «من منظور نویسنده را رسانده‌ام». منظور را رساندن یا تکنیک دیگرنوشت<sup>۴</sup> با ترجمه کردن تفاوت ماهوی دارد؛ چنانکه نیومارک (۹۰: ۱۹۸۸) می‌گوید، «دیگرنوشت عبارت است از شرح و بسط یا توضیح بخشی از متن. این فرآیند در متون بی‌نام در صورتی

که ضعیف و نارسا نوشته شده باشند، یا معنای تلویحی داشته باشند و نکات مهمی حذف شده باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرند.» همان گونه که ملاحظه می‌شود، از این فرآیند (تکنیک) می‌شود برای ترجمه قسمتی از متون خاص استفاده کرد و نه به عنوان روشی برای ترجمه تمامی یک متن.

بسیاری از مترجمان (غالباً تازه‌کار) که به زبان مادری خود، قلم شیوا و روانی دارند، تصور می‌کنند بیان فهم خود از متن در قالب کلماتی زیبا و درست از لحاظ دستوری، برای ارائه ترجمه‌ای مناسب، بسنده می‌کند؛ در حالی که این وجه قضیه به تنهایی بخشی از قابل قبول بودن ترجمه است نه تمامی آن. این اصل را نباید از نظر دور داشت که یک مترجم خوب، می‌بایست یک نویسنده هم باشد؛ اما هر نویسنده‌ای لزوماً مترجم خوبی از آب در نمی‌آید. به‌عنوان مثال فردی که می‌خواهد به ترجمه شعر یا متون ادبی بپردازد، می‌بایست حداقل فردی شعر دوست و اهل مطالعه باشد؛ بدون شک، فردی که حتی نمی‌تواند یک جمله موزون به زبان مادریش بگوید یا بنویسد، چطور می‌تواند یک قطعه ادبی یا شعری را ترجمه کند؛ حتی اگر زبان مبدا را به خوبی بداند و به آن زبان تکلم کند. فردی که از اصل فوق‌الذکر، «واحد ترجمه»، بی‌اطلاع است، چگونه می‌تواند ترجمه‌ای از شعر ارائه دهد که در عین حفظ مفهوم اصلی آن، در زبان مقصد گوش‌نواز باشد؟ («واحد ترجمه» در شعر یا «کلمه» است یا «مصرع»).

در مورد ارزیابی کیفی متون ترجمه‌شده، میلدرد لارسن<sup>۵</sup> (۱۹۸۴)، راهکارهای ذیل را ارائه می‌دهد:

الف. ارزیابی ترجمه از نظر «مفهوم بودن»<sup>۶</sup>

ترجمه خوب و قابل قبول در درجه اول برای خواننده، قابل فهم است. برای انجام این ارزیابی، متن ترجمه‌شده به افرادی از گروه‌های سنی مختلف (متناسب با متن)، سطح سواد و طبقات اجتماعی مختلف،



ارائه شده و از آنها درخواست می‌شود نظرات خود را به صورت کتبی یا شفاهی بیان کنند. گاهی اوقات آزمونگر، سؤالاتی درباره محتوای متن ترجمه‌شده طراحی می‌کند و از خوانندگان متن می‌خواهد تا پس از خواندن متن، به سؤالات پاسخ دهند.

ب. ارزیابی ترجمه از نظر «روان و سلیس بودن زبان ترجمه»<sup>۷</sup>

این نوع ارزیابی توسط منتقد ترجمه انجام می‌شود که در اغلب موارد به هر دو زبان مبدا و مقصد و به‌ویژه با سبک نوشتاری زبان مقصد، آشنایی دارد. وظیفه او در درجه اول، خواندن متن ترجمه‌شده و ارزیابی آن از نظر روان بودن در زبان مبدأ می‌باشد. او همچنین می‌بایست متن ترجمه‌شده را از نظر «درست بودن» (از نقطه نظر دستور و نگارش) مورد ارزیابی قرار دهد و نتیجه را به انضمام پیشنهادهای خود به اطلاع مترجم برساند.

ج. ارزیابی ترجمه از نظر «انسجام ساختاری و محتوایی»<sup>۸</sup>

هر قسمت از متن ترجمه‌شده، می‌بایست از نظر محتوایی و ساختاری، با دیگر قسمت‌های متن مربوط دارای ارتباط و همبستگی باشد. به‌عنوان مثال، معادل واژگان در کل متن باید یکسان باشد و یا اسامی اشخاص به یک صورت ترجمه شود. از نظر ساختاری نیز متن ترجمه‌شده می‌بایست اسلوب مشخصی از نظر شکل ظاهری و پاراگراف‌بندی داشته باشد.

درخصوص ارزیابی کیفی ترجمه، نیومارک (۱۹۸۸) معتقد است ترجمه می‌بایست توسط صاحب‌نظران مختلف ارزیابی شود:

الف. ویراستاران؛

ب. افرادی که به عنوان خواننده اولیه، متن ترجمه‌شده را می‌خوانند؛

ج. منتقد حرفه‌ای ترجمه یا معلم ترجمه که در نقد یا تدریس یک نوع متن، تبحر دارد؛ و نهایتاً

د. خوانندگان کتاب منتشر شده.

نیومارک همچنین معتقد است (همان، ص ۱۸۶) «بررسی چه به شکل نقد و چه به شکل ارزیابی از طریق مقایسه میان متن اصلی و

متن ترجمه‌شده انجام می‌پذیرد.» و اما پاسخ به این سؤال اساسی که «ترجمه خوب چیست؟ و مترجم خوب کیست؟»، از دیدگاه نیومارک (۱۹۸۸: ۱۹۲) بدین گونه بیان شده است: «معیارها برای ارزیابی ترجمه، نسبی هستند؛ اگرچه سعی می‌شود آنها را بر مبنای مقیاس‌ها قرار داد نه اصول. ترجمه خوب هدفش را برآورده می‌سازد ... اساساً بررسی ترجمه خوب مشکل نیست، بلکه تعمیم تعاریف پیش‌پا افتاده‌ای که حقیقت ندارند، دشوار است چون به تعداد متن‌ها، ترجمه وجود دارد. اما این واقعیت که در قضاوت درباره ترجمه، عامل فردی بودن یا عدم قطعیت وجود دارد، نه نیاز به نقد ترجمه را از بین می‌برد و نه سودمندی آن را».

تقیه (۵۹ - ۵۳: ۱۳۸۴) معتقد است می‌توان برای نقد ترجمه، چارچوب‌ها و اصولی را وضع کرد تا بدین وسیله، افسار ترجمه، گسیخته نشود و بتوان به نوعی آن را ارزیابی نمود:

الف. مخاطب و خشنودی او از خواندن متن ترجمه‌شده، می‌تواند معیار خوبی برای تشخیص ترجمه خوب از بد به دست دهد؛

ب. ذوق سلیم و حس زیبایی، جزء مشخصه‌های یک ترجمه است؛ زیرا شیوایی، زیبایی، سلاست و مخاطب‌پسندی ترجمه در گرو ارائه یک ترجمه خوب است؛

ج. رعایت قواعد دستوری زبان‌های مبدا و مقصد؛ و

د. ارائه معادل‌های مناسب در زبان مقصد؛ گاهی در ترجمه‌های بعضاً تخصصی، اصطلاحات خاص نیاز به توضیح بیشتری دارند ولی توضیحات لازم داده نشده است.

درخصوص بررسی کیفی ترجمه، فرحزاد (۳۴-۳۰: ۱۳۸۲) معتقد است، نقد ترجمه، چون نقد ادبی، نیاز به چارچوبی نظری دارد که می‌بایست فراتر از بررسی مقابله‌ای باشد. او معتقد است نقد ترجمه (بررسی کیفی)، با مقابله، تفاوت دارد؛ به این صورت که در مقابله،

متن مقصد را تکه تکه (جمله به جمله یا کلمه به کلمه) با متن مبدا مقابله می‌کنند و بدون استفاده از هرگونه چارچوب نظری، اشتباهات مترجم را در حوزه‌های معنا، دستور، معادل‌گزینی، ویرایش و مواردی از این دست برمی‌شمارند و به سلیقه خود، تصحیح می‌کنند؛ بی‌آنکه تعریفی از «اشتباه» یا «غلط» در ترجمه ارائه کنند. اما نقد ترجمه، به جای غلط و درست، با مجموعه انتخاب‌های واژگانی و نحوی مترجم و نقش آنها در متن و جامعه و نیز تاثیر آنها در خوانندگان سر و کار دارد. به عبارت دیگر، مقابله، «متنی» است؛ یعنی محدود به متن است؛ اما نقد، «فرامتنی» است؛ یعنی به تاثیر متن توجه دارد. متن مقصد، با آنکه ریشه در متن مبدا دارد و از آن پدید آمده، اما هویت مستقلی دارد که تابع مقتضیات زبان مقصد، و مهم‌تر از آن تابع انتخاب‌های مترجم است. انتخاب‌های مترجم هم تابع جهان بینی، نظرها، تعصبات و دیدگاه‌های اوست. نقد ترجمه، باید بتواند بار ایدئولوژیکی زبان و مناسبات قدرت را که در انتخاب‌های مترجم و در نتیجه در متن مقصد وجود دارد، نمایان کند. پس چارچوب کلی نقد ترجمه، تحلیل انتقادی گفتمان<sup>۹</sup> است. به عنوان مثال، «گفتمان نژادگرا»، «گفتمان فمینیستی»، «گفتمان استعماری»، «گفتمان پسااستعماری»، «گفتمان مذهبی» و الی‌آخر. در چنین شرایطی ممکن است یک ترجمه واحد را، منتقدی از زاویه گفتمان خاصی بررسی کند و منتقد دیگری از زاویه گفتمانی دیگر؛ به شرط آنکه عناصر هر یک از این دو، در متن ترجمه، حضور داشته باشند. مثلاً می‌توان ترجمه انگلیسی فیتزجرالد از رباعیات خیام را از «دیدگاه پسااستعماری» نقد کرد. بدین ترتیب، نقد ترجمه، در واقع نقد ایدئولوژی‌هاست و به زبان تازه‌ای نیاز دارد که با زبان مقابله تفاوت دارد.

#### ضرورت حضور مؤثر مقابله‌گر

ضرورت حضور مقابله‌گر، به عنوان واسطه میان نویسنده و مترجم، از مواردی است که با توجه به وضعیت نابسامان ترجمه در ایران، به شدت احساس می‌شود. مقابله‌گر فردی است که نه تنها واجد شرایط مترجم بودن است، بلکه در حیطه نقد ترجمه هم می‌بایست تبحر داشته باشد. آنچه نباید از نظر دور داشت، این است که اصولاً وظایف مقابله‌گر با ویراستار تفاوت‌هایی دارد و هر یک، جایگاه خاص خود را در فرآیند ترجمه ایفا می‌کنند. ویراستار، در درجه اول با متن مقصد (ترجمه‌شده) سر و کار دارد و ویژگی اساسی او تسلط به زبان مقصد است؛ تا هر آنچه می‌تواند متن ترجمه‌شده را به متنی روان و سلیس

تبدیل کند و کاستی‌های دستوری و ساختاری آن را مرتفع سازد. اما وظیفه مقابله‌گر چه بسا مهم‌تر و حائز اهمیت بیشتری است؛ چنانکه او می‌بایست مانند مترجم به هر دو زبان (مبدا و مقصد) تسلط داشته و با روش‌های مقابله‌گری آشنایی داشته باشد. یکی از تکنیک‌های مقابله‌گری، «ترجمه معکوس»<sup>۱۰</sup> است که در آن از مترجمی غیر از مترجم اصلی درخواست می‌شود تا دوباره متن را به زبان اصلی آن برگرداند؛ با استفاده از این شیوه می‌توان ارزش و اعتبار ترجمه را ارزیابی کرد. البته نباید از نظر دور داشت که فرد (مترجم معکوس) می‌بایست به هر دو زبان آشنا بوده و به زبان اصلی متن، آشنایی کامل داشته باشد؛ در غیر این صورت، نتیجه کار، زحمات مترجم اصلی را زیر سوال خواهد برد.

#### ضرورت ترجمه گروهی (تیمی)

در حالت ایده‌آل و در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، مراحل ترجمه، خصوصاً ترجمه کتب و اسنادی که وجهه تاریخی و فرهنگی دارند، به صورت گروهی و با حضور مترجمان، مقابله‌گران، ویراستاران و مشاوران مرتبط با موضوع انجام می‌پذیرد.

در این خصوص، باستانی (۱۳۶۶) به نقل از نایدا مترجم را عضوی از گروهی می‌داند که کم و بیش برابر با دیگران مسؤلیت انتقال پیام را در زبان مقصد به عهده می‌گیرد. فی‌المثل یکی از اشخاص، معنای پیام را در زبان مبدا شرح می‌دهد؛ دیگری معنای معادل آن را در زبان مقصد پیشنهاد می‌کند و سوومی مسؤلیت سبک عبارت‌ها را بر عهده می‌گیرد. برخی از گروه‌های ترجمه، بدین شکل برقرار شده‌اند: یکی متخصص متن مورد ترجمه است؛ دیگری مفسر؛ سوومی آشنا با فرهنگ مبدا؛ چهارمی متخصص ساخت‌های لغوی و نحوی زبان مقصد و پنجمی آشنا به سبک‌های مختلف ادبی. گاه برخی از گروه‌ها بر اساس مسؤلیت‌های مکمل، تشکیل نمی‌شوند؛ بلکه در آنها، هر یک از اعضا، احیاناً در همه وجوه کار، به قدر اعضای دیگر متبحر است. چنین ترتیبی هرچند ممکن است مطلوب به نظر آید، در عمل کارآمد نیست؛ زیرا که بهتر است اعضای هر گروه، از تخصص‌های مربوطه و مکملی که مورد قبول همگان است، برخوردار باشند. نایدا همچنین معتقد است که هر جای گروه در میان باشد، باید از اعضای گروه انتظار داشت که به یکدیگر کمک کنند؛ به تعبیر او هر جا که همه می‌خواهند سرآمد باشند، ناگزیر برخی از افراد، دیگران را به حاشیه می‌رانند. از نظر او، روش «مترجم - ویراستار» که به طور وسیع



## کتاب‌های بسیاری از زبان‌های دیگر به‌ویژه عربی (ترجمه قرآن) و سانسکریت (آثاری چون کلیله و دمنه) در دوره ساسانیان ترجمه شده‌اند؛ بنابراین ترجمه، عملاً قسمتی از میراث مکتوب ما ایرانیان را تشکیل می‌دهد. آغاز ترجمه آثار غربی از زبان‌های انگلیسی و عمدتاً فرانسه، سابقه‌ای بیش از یک قرن داشته و به خصوص از اواخر دوره قاجار مورد توجه بسیار قرار گرفته است.

نکات قابل ذکر دیگر، محدود کردن حیطه ترجمه است؛ به این معنی که هر فردی با توجه به علاقه و دانش خود، یکی از حوزه‌های ترجمه مکتوب یا رسانه‌ای را انتخاب کرده و حوزه فعالیت خود را محدودتر کند؛ به‌عنوان مثال، در ترجمه رسانه‌ای، بداند که به چه حوزه‌های بیشتر علاقه‌مند است (ترجمه خبر، فیلم اعم از مستند یا سینمایی، کارتون و یا ترجمه وب‌گاه‌ها) در ترجمه مکتوب نیز مسلماً بین متون مختلف، اعم از علمی، فلسفی، ورزشی، کودک و طنز، تفاوت‌های بسیاری است که مترجم می‌بایست آنها را مد نظر داشته باشد.

### ضرورت بازنگری در سرفصل دروس دوره کارشناسی

#### ارشد

با توجه به اینکه سرفصل دروس ارائه شده در دوره کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، به جز درس «کارگاه ترجمه»، لزوماً تئوری است، فارغ‌التحصیل این دوره، به‌ویژه اگر رشته تحصیلی کارشناسی او متفاوت باشد، به هیچ وجه، ترجمه را به صورت عملی نخواهد آموخت و دانش ترجمه‌ای او صرفاً به چارچوب‌های نظری و تئوریک محدود خواهد شد. اصول نظری و تئوریک، زمانی تأثیرگذار خواهد بود که دانشجوی ترجمه به صورت عملی و ملموس، آنها را در ترجمه متون به کار ببرد و در عمل، به آزمون و خطا بپردازد. مطالعه صرف اصول بنیادین هر علمی، بدون کاربرد آنها، در مراحل عملی، نتیجه عملی مناسبی نخواهد داشت (رک: مقاله حیدریان، نشریه علمی، پژوهشی مطالعات ترجمه، ش اول).

درخصوص برنامه فعلی آموزش ترجمه در دوره کارشناسی ارشد، خزاعی فر (۶۶: ۱۳۸۰) معتقد است: «برنامه‌های درسی نباید با توجه به امکانات و افراد موجود، بلکه باید براساس معیارهای علمی نوشته شود. افراد باید خود را با برنامه تطبیق دهند و امکانات لازم برای اجرای برنامه را باید فراهم کرد. همچنین برنامه‌های آموزشی را نباید کاری از نوع «یک‌بار برای همیشه» تلقی کرد و باید مدام در پی تجدیدنظر در آنها بود. مناسبانه تاکنون چنین بوده که برنامه آموزشی، وقتی صورتی مکتوب پیدا کرده و ابلاغ شده، حکم «وحی منزل» پیدا کرده و لذا نه اشکالات موجود در برنامه رفع شده و نه برنامه با نیازهای فارغ‌التحصیلان و بازار و معیارهای علمی روز انطباق یافته است. روزآمد بودن و کارایی داشتن، دو ویژگی ضروری هر برنامه آموزشی، خصوصاً برنامه‌های آموزشی دوره‌های تخصصی از جمله کارشناسی ارشد، می‌باشد. امیدواریم نقایص برنامه موجود، با استفاده

در بیشتر دوایر زبانی سازمان‌های بین‌المللی به کار بسته می‌شود، نمونه خوبی از کار گروهی در ترجمه است.

در مورد ترجمه گروهی و ویژگی‌های آن، میلدرد لارسن<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۴) معتقد است در ترجمه بسیاری از متون مذهبی، می‌بایست حداقل یک نفر مشاور در روند فرآیند ترجمه، حضور داشته باشد تا ابهام‌های موجود را برطرف سازد. از دیدگاه لارسن، در ترجمه‌های گروهی، می‌توان از حضور «آزمون‌گر»<sup>۱۲</sup> نیز بهره گرفت. وظیفه آزمون‌گر این است که متن ترجمه شده را به افراد گوناگون بدهد و از آنها بخواهد تا نظر خود را درباره آن بگویند. البته، آزمون‌گر، خود می‌بایست با زبان مقصد آشنایی داشته باشد و اصول و روش ترجمه را بداند. در برخی موارد، از حضور ناشر هم در گروه‌های ترجمه استقبال می‌شود تا از نظرات او در مورد کلیت ارائه اثر و نحوه چاپ و توزیع، استفاده شود. در این‌گونه فعالیت‌ها، معمولاً وظیفه مقابله‌گر، این است که اطلاعات لازم را در مورد پیش‌نویس‌های<sup>۱۳</sup> ترجمه شده و روش‌های به کار رفته در فرآیند ترجمه، به دست آورد و به تدریج که قسمت‌های مختلف یک متن، ترجمه می‌شود، آنها را با متن مبدأ، مقایسه و اشکالات و ابهام‌های موجود را مشخص کند و به مترجمان ارائه دهد؛ تنها در این صورت است که نتیجه کار، در درجه اول، ترجمه قابل قبولی بوده و مسؤلیت آن، صرفاً به عهده مترجم اثر نخواهد بود. همچنین، تشریک مساعی در فرآیند ترجمه، از اعمال سلیقه شخصی مترجم، جلوگیری کرده و متن ترجمه شده را هرچه بیشتر به متن اصلی نزدیک می‌کند.

### ضرورت آموزش مترجمان حوزه‌های خاص (تربیت مترجمان متخصص)

از دیگر ضروریات نجات از وضعیت وخیم موجود در حیطه ترجمه، توجه به آموزش ترجمه، به صورت اصولی و تفکیک شده، از نظر موضوعی است. مناسبانه، رشته مترجمی زبان انگلیسی، مخصوصاً در مقطع کارشناسی ارشد، مشتمل بر چندین واحد تئوری و نظری است که سبب می‌شود دانشجویان، پس از فارغ‌التحصیل شدن، در ترجمه متون خاص، مهارت نداشته باشند. تربیت مترجم متون خاص، با روش‌های مناسب، می‌تواند از راهکارهای خروج از بحران موجود باشد؛ به‌عنوان مثال، ترجمه رسانه‌ای<sup>۱۴</sup> در سیستم کارگاهی و کارگروهی جواب می‌دهد؛ برای اینکه با ترجمه مکتوب، فرق دارد؛ در واقع، نوع ترجمه، گفتار به نوشتار یا گفتار به گفتار است و نه نوشتار به نوشتار. از



عینی و عملی، صاحبان امر را بیش از پیش برای تغییر وضعیت موجود، ترغیب و تشویق نماید.

### پی‌نوشت:

\* کارشناس ارشد مترجمی انگلیسی

1. proofreader
2. Viney and Darblenet
3. W. Hausse
4. paraphrase
5. Mildred L. Larson
6. comprehension tests
7. naturalness
8. Naturalness
9. critical discourse analysis
11. back translation
12. Mildred L. Larson
13. tester
14. early drafts

۱۵. دکتر محمد شهباء، گاهنامه درباره ترجمه، شماره ۳، ص ۱۰.

### منابع و مأخذ

- ۱- باستانی، سعیده، (۱۳۶۶)، «نقش مترجم»، نصرالله پورجوادی، درباره ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۳۰-۱۵.
- ۲- تقیه، محمدحسن، (۱۳۸۴)، «نقد ترجمه چیست؟»، مطالعات ترجمه، س ۳، ش ۱۱.
- ۳- خزایی‌فر، علی، (۱۳۸۰)، «نگاهی به برنامه دوره کارشناسی‌ارشد رشته مترجمی»، مترجم، ش ۳۵.
- ۴- شهباء، محمد، گفت‌وگو با استادان ترجمه، گاهنامه درباره ترجمه، شماره سوم، زمستان ۱۳۸۵، صص ۴-۱۲.
- ۵- فرحزاد، فرزانه، (۱۳۸۲)، «چارچوبی نظری برای نقد ترجمه»، مطالعات ترجمه، س ۱، ش ۳.
- ۶- منشی‌طوسی، محمدتقی، (۱۳۸۰)، «ترجمه و واحدهای آن»، مجله علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، س ۲، ش ۲.
- 7-Larsen, Mildred L., (1984), Meaning-based translation: a guide to cross-language equivalence, Lanham: University Press of America.
- 8-Newmark, Peter, (1988), A textbook of translation, New York: Prentice Hall

از نظریات دیگر صاحب‌نظران و برنامه‌های مشابه دانشگاه‌های غرب رفع شده و جنبه تخصصی آن بارزتر شود.»

مسئله تغییر بنیادین در سرفصل دروس دوره کارشناسی‌ارشد، اگر ناممکن نباشد، سهل‌الوصول (دست‌یافتنی) هم نیست؛ بنابراین برای پر کردن خلأ واحدهای عملی در دوره کارشناسی‌ارشد، می‌توان گرایش دیگری با عنوان «تربیت مترجم» یا «آموزش ترجمه» ایجاد کرد، تا دانشجویان علاقه‌مند به حوزه ترجمه عملی، بتوانند با انتخاب این گرایش، از نزدیک با ترجمه متون مختلف، دست و پنجه نرم کنند.

### ضرورت تأسیس (ایجاد) مراکز تخصصی - پژوهشی ترجمه

در صورت عدم بازنگری در برنامه درسی و سرفصل دروس رشته مترجمی، چه در دوره کارشناسی و چه کارشناسی‌ارشد و تداوم وضعیت موجود، لزوماً می‌بایست مراکزی تأسیس شوند که به این مهم اختصاص یابند و خلأ موجود را مرتفع سازند؛ با ایجاد مراکز تخصصی ترجمه و پژوهش، می‌توان اهرم‌های نظارت را به این مراکز واگذار کرد؛ همچنین می‌توان گروهی از مترجمان، مقابله‌گران و ویراستاران را در این مراکز گرد هم آورد. این مراکز همچنین می‌توانند رابط میان ناشرین و مترجمان باشند. به علاوه، در این مراکز می‌توان از تجربیات فرهنگ‌نویسان، کتاب‌شناسان و مترجمان حرفه‌ای رشته‌های مختلف و مترجمانی که در رشته‌های غیر از مترجمی تحصیل کرده‌اند، اما مترجمان قابل‌هستند، بهره جست. شنیده‌ها حاکی از آن است که گروه مترجمی انگلیسی دانشگاه علامه طباطبایی (به مدیریت آقای دکتر ملائذی) طرح تأسیس این مرکز را تدوین نموده‌اند و در صدد راه‌اندازی آن هستند.

### نتیجه‌گیری

در حال حاضر، رشد روزافزون صنعت نشر و با توجه به جوان بودن جمعیت ایران و نیاز به منابع متعدد مطالعه، ضرورت توجه به این مهم را دو چندان می‌کند. از سوی دیگر، از آنجا که ما در تمام زمینه‌های دانش بشری فرزند ترجمه‌ایم و در همه زمینه‌ها، دانسته‌هایمان، از طریق ترجمه است<sup>۱۵</sup>، ساماندهی وضعیت آشفته کمی و کیفی ترجمه، از ضروریات است. بدیهی است بررسی کمی و کاستی‌های متون ترجمه و آسبایی که ترجمه‌های ناقص به پیکره زبان فارسی وارد می‌کنند، در درازمدت، تأثیر خود را نمایان خواهد کرد. این مقاله بر آن بود تا با بررسی و طرح مشکلات موجود، همچنین مطالعه راهکارهای